

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زمین پر نیک نوا



سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگ و اجتماع



پرتال فرهنگ و سخاوت راسخون  
BASEKHOON.NET  
معاونت فرهنگ و اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه

**تہیہ، تنظیم و نشر: پرتال فرهنگ و سخاوت راسخون (وابستہ بہ معاونت فرهنگ، اجتماع سازمان اوقاف و امور خیریه)**

نویسنده: محمد حسین افشاری | ویراستار: مہدی مہدوی | صفحہ آریبی: مختار شفق  
قیمت: ۲۵۰۰ تومان | نوبت چاپ: اول / بہار ۱۳۹۷ | شمارگان: ۳۰۰۰ نسخہ  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وابستہ بہ سازمان اوقاف  
نشان: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزادہ سید علی علیہ السلام، مجتمع فرهنگ و اوقاف، پرتال فرهنگ و سخاوت  
سایت راسخون: [www.rasekhood.net](http://www.rasekhood.net) | تلفن: ۰۲۵- ۳۸ ۱۸ ۷۱ ۷۴

# زندگی بہ رنگِ خدا



زینتِ خصوصی  
درآمدی بر آثاز و فوایدِ حجاب



[ مقدمه ]

اسلام دینی جامع و کل نگرست و برای تمام مسائل فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... برنامه دارد و احکامی را وضع کرده است که باعث رشد فرد و جامعه او می‌گردد. یکی از احکام و دستورات اسلام در حوزه فردی، اجتماعی و فرهنگی، احکام پوشش و حجاب زنان و مردان است.

پوشش از زمان‌های دور و حتی در زمان انسان‌هایی که به عنوان انسان نخستین نام برده می‌شوند، نیز برای انسان‌ها دغدغه و یک نیاز بوده و انسان همواره درصدد استفاده از پوششی مناسب برای خود بوده است.

برخی پوشش‌ها برای محفوظ ماندن از گرما و سرما، برخی برای محافظت بدن و گونه‌ای دیگر برای پوشاندن اعضای بدن است.

پوششی که در ادیان و مذاهب و در کتاب آسمانی، قرآن کریم آمده، نوعی از پوشش است

برای حفظ کرامت انسانی، حفظ هویت زنانگی و مردانگی، حفظ صفات انسانی و مصون ماندن از هوا و هوس و به طور کلی یک پوشش برای سعادت زندگی فردی و اجتماعی است؛ پوششی که در عین داشتن خصوصیات مورد نیاز یک پوشش، پوششی تعالی بخش و کامل باشد. هدف اسلام از بیان نوع پوشش زنان و مردان، ارائه یک پوشش مناسب برای سعادت دنیوی و اخروی است.



[ بیان آیه و ترجمه ]



وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ  
 مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ  
 بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ  
 أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْتَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ  
 وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

(آیہ ۳۱ سورہ نور)



و به آنان با ایمان بگو چشم‌های خود را [از نگاه هوس‌آلود] فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و [اطراف] روسری‌های خود را برسینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود] و زینت خود را آشکار ن سازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید<sup>۱</sup>.

## شان نزول آیه

از امام باقر علیه السلام چنین نقل شده است: جوانی از «انصار» در مسیر خود با زنی روبه‌رو شد. و در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوش‌ها قرار می‌دادند. (طبعاً گردن و مقداری از سینه آن‌ها نمایان می‌شد)، چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت، هنگامی که زن گذشت جوان همچنان با چشمان خود او را بدرقه می‌کرد، در حالی که راه خود را ادامه می‌داد تا این که وارد کوچه تنگی شد و باز همچنان به پشت سر خود نگاه می‌کرد، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت، جوان به خود آمد، دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه‌اش ریخته! (سخت ناراحت شد) با خود گفت: به خدا سوگند من خدمت پیامبر می‌روم و این ماجرا را بازگو می‌کنم، هنگامی که چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله به او افتاد فرمود چه شده است؟

جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام «جبرئیل»، پیک وحی خدا نازل شد و آیه فوق (قُلْ  
 لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...) را آورد.<sup>۱</sup>  
**کوتاه سخنی در ترجمه آیه**

ترجمه بخش بخش آیات گاه در شکل‌گیری معنای بهتر آن در ذهن، کارگشای است.  
 و به زنان با ایمان بگو: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ»

چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند: «يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ».  
 و دامان خویش را (از بی‌عفتی) حفظ کنند: «وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ».

و زینت خود را، جز آن مقدار که نمایان است آشکار نکنند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ  
 مِنْهَا».

۱. محمد بن حسن جرعاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۲.

ظاهرا منظور از زینت آشکار بر اساس روایاتی که از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است، همان صورت و دست‌ها تا میچ است .

و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه هم با آن پوشانده شود]: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» .

از این جمله استفاده می‌شود: زنان قبل از نزول آیه، نه تنها روسری داشتند بلکه دنباله و انتهای روسری را به شانه‌ها یا پشت سر می‌انداختند، به طوری که گردن و کمی از سینه نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد بانوان روسری را بر جلوی گردن بیندازند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است پوشیده شود.

و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان



هم کیششان یا بردگانشان یا مردان سفیه وابسته [به آنها] که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند: «وَلَا يُدْرِيْنَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا الْغُلُوْمِيُّنَّ ...» .

و [به زنان با ایمان بگو: هنگام راه رفتن] پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود (صدای خلخال و حلقه‌هایی که به پا {یا دستها} بسته‌اند به گوش رسد): «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» .

و ای مومنان، همگی به سوی خدا بازگردید، تا رستگار شوید. «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» .

آری! اگر در گذشته، کارهای خلافی در این زمینه انجام شده اکنون که حقایق تبیین شد، از خطاهای خود توبه کنید و برای نجات و رستگاری، به سوی خدا آید که رستگاری تنها بر در خانه او است.

## نگاه تفصیلی به آیه

در نگاهی ریزتر به آیه نکات قابل توجه و لازم به تدبر بیشتری می‌توان یافت. در این آیه بیان و توضیح وظایف زنان در زمینه ارتباط با نامحرم و نوع پوشش او پرداخته شده است، نخست به وظائفی که مشابه مردان دارند اشاره کرده می‌گوید: «و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را فروگیرند (و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند) و دامان خود را حفظ نمایند (و قُلِّ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ).

با این بیانی که در آیه آمده است آشکار می‌شود که همان‌گونه که چشم‌چرانی برای مردان حرام است این مورد نیز برای زنان نیز حرام است و چشم‌چرانی خاص یک جنس و آن هم مرد نیست. با تدبری که در این آیه می‌شود کرد، می‌توان این نکته را نیز به دست آورد که پوشانیدن عورت از نگاه دیگران، چه از مرد و چه از زن برای زنان نیز همانند مردان واجب است.

در ادامه آیه به ویژگی حجاب که برای زنان است، پرداخته شده و در این مورد نکاتی لازم است بیان شود.

«ایشان نباید زینت خود را آشکار سازند، جز آن مقدار که طبیعتاً آشکار است» (وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا).

### منظور از زینت

سؤالی که در این جا مطرح می شود این است که منظور از زینتی که زنان باید آن را بپوشانند و همچنین زینت آشکاری که می توانند آن را آشکار کنند، چیست؟  
استاد مطهری در کتاب «مسئله حجاب» با اشاره به این آیه بیان می دارند که به چند دلیل می توان گفت که پوشش وجه و کفین واجب نیست:  
اول آن که آیه «پوشش» که همان آیه ۳۱ سوره نور است و برای بیان این وظیفه و تعیین

حدود آن است پوشانیدن وجه و کفین را لازم نشمرده است. در این آیه به دو جمله می‌توان استناد جست؛ یکی جمله «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» و دیگر جمله «وَلِيَضْرِبْنَ مِخْمَرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...».

در مورد جمله اول بسیاری از مفسران و عموم روایات، خضاب و سرمه و انگشتر و دستبند و امثال این‌ها را مصداق مستثنی (إِلَّا مَا ظَهَرَ) دانسته‌اند. این زینت‌ها، زینت‌هایی است که در چهره و دو دست تا مچ صورت می‌گیرد. خضاب و انگشتر و دستبند مربوط به دست است و سرمه مربوط به چشم.

کسانی که پوشش وجه و کفین را واجب می‌دانند باید استثناء «إِلَّا مَا ظَهَرَ» را منحصر بدانند به لباسِ رو و واضح است که حمل استثنا بر این معنی بسیار بعید و خلاف بلاغت قرآن است. مخفی داشتن لباسِ رو، به علت این‌که غیرممکن است، احتیاج به استثنا ندارد؛ گذشته از



این که لباس را وقتی می‌توان زینت محسوب کرد که قسمتی از بدن نمایان باشد؛ مثلاً در مورد زنان بی‌پوشش می‌توان گفت که لباس‌شان یکی از زینت‌های آن‌هاست؛ ولی اگر زن تمام بدن را با یک لباس سرتاسری بپوشاند چنین لباسی زینت شمرده نمی‌شود.

خلاصه این که ظهور آیه را در این که قسمتی از زینت بدن را استثنا می‌کند نمی‌توان منکر شد و صراحت روایات هم ابداً قابل تردید نیست. در مورد جمله دوم باید گفت: آیه دلالت دارد که پوشانیدن گریبان لازم است و چون در مقام بیان حدّ است اگر پوشانیدن چهره هم لازم بود بیان می‌کرد.

دقت فرمایید! «خمار روسری» اساساً برای پوشانیدن سر وضع شده است. ذکر کلمه «خُمر» در آیه می‌فهماند که زن باید روسری داشته باشد و واضح است که با روسری پوشانیدن مربوط به سراسر است و اما این که غیر از سر آیا قسمت دیگری را هم باید با روسری پوشانید یا نه، به بیان

آن بستگی دارد و چون در آیه فقط زدن دو طرف روسری بر گریبان مطرح است معلوم می شود که همین مقدار واجب است.<sup>۱</sup>

درست این است که اگر به آیه بدون پیش داوری و طبق ظاهر آیه نگریسته شود، زنان حق ندارند زینت هایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می پوشند مجاز نیست؛ چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت هایی نهی کرده است.

در روایاتی که از اهل بیت (ع) نقل شده نیز همین معنی دیده می شود که زینت باطن را به «قلاده» (گردنبند)، «دملیج» (بازوبند) و «خلخال» (پای برنجن همان زینتی که زنان عرب در میچ پاهای می کردند) تفسیر شده است.<sup>۲</sup>

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ۱۳۸۰، ص ۵۱۲.

۲. سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۶۰.

و چون در روایات متعدد دیگری زینت ظاهر به انگشتر و سرمه و مانند آن تفسیر شده می فهمیم که منظور از زینت باطن نیز خود زینت هایی است که نهفته و پوشیده است. دستور دومی که در آیه بیان شده است در مورد خمار است: «آن ها باید خمارهای خود را بر سینه های خود بیفکنند» (وَيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ).

«خمر» جمع «خمار» (بروزن حجاب) در اصل به معنی پوشش است؛ ولی معمولاً به آن چیزی گفته می شود که زنان با آن سر خود را می پوشانند (روسری).<sup>۱</sup>  
 «جیوب» جمع «جیب» (بروزن غیب) به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز بدان گفته می شود.<sup>۲</sup>

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ج ۱، ص ۲۹۸؛ حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۲۷.
۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۲۱۰؛ حسن مصطفوی، ج ۲، ص ۱۴۹.

می توان این نکته را از آیه برداشت کرد که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه ها یا پشت سر می افکندند، به گونه ای که گردن و کمی از سینه آن ها نمایان می شد، قرآن دستور می دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد.<sup>۱</sup>

سومین حکمی که در این آیه بدان اشاره شده، بحث زینت های پنهان و آشکار زنان است: آن ها نباید زینت خود را آشکار سازند (وَلَا يُدْرِينَ زِينَتَهُنَّ).  
 به غیر از دوازده موردی که در این آیه بر شمرده می شود:  
 ۱. برای شوهرانشان (إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ).  
 ۲. یا پدرانشان (أَوْ آبَائِهِنَّ).



۳. یا پدران شوهرانشان (أَوْآبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ).

۴. یا پسرانشان (أَوْأَبْنَاہِہِنَّ).

۵. یا پسران همسرانشان (أَوْأَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ).

۶. یا برادرانشان (أَوْإِخْوَانِهِنَّ).

۷- یا پسران برادرانشان (أَوْبَنِي إِخْوَانِهِنَّ).

۸. یا پسران خواهرانشان (أَوْبَنِي أَخَوَاتِهِنَّ).

۹. یا زنان ہم کیششان (أَوْنِسَائِهِنَّ).

۱۰. یا بردگانسان (کنیزانشان) (أَوْمَا مَلَکَتْ أَيْمَانُهُنَّ).

۱۱. یا مردان بی رغبت [بہ زنان] کہ پیرو شمایند (افراد سفیہ و ابلہی کہ میل جنسی در آن ها

وجود ندارد) (أَوَاتَّابِعِينَ غَيْرِأُولِي الْإِرْتَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ).



۱۲. یا کودکانی که از عورات زنان (امور جنسی) آگاه نیستند (أَوِ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَطْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ).

حکم چهارم در مورد راه رفتن و پیدا شدن زینت‌های پنهان است: و نباید [زمین] را با پاهایشان بکوبند تا آنچه از زینتشان را که نهان می‌داشتند، آشکار شود (بدین معنا که صدای خلخالی که بر پا دارند به گوش برسد) (وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ).

آیات قرآن اشاره به این دارد که زنان حتی در راه رفتن باید عفت را پیشه خود سازند و به گونه‌ای قدم برندارند که زینت‌های پنهانی‌ای که بر پای خویش بسته‌اند، آشکار گردد. با بررسی آیه فوق می‌تواند به این نکته رسید که اسلام دین جامعی است و همه جوانب زندگی امن را برای انسان بین می‌کند تا جامعه‌ای که در زیر سایه اسلام شکل می‌گیرد، جامعه امنی از خطرات و رفتارهای جنسی نادرست باشد.

در پایان آیه همه مؤمنان اعم از مردان و زنان را به گونه‌ای عمومی به توبه و بازگشت به سوی خدا دعوت کرده و آیه را پایان می‌دهد، می‌گوید: «همگی به سوی خدا باز گردید ای مؤمنان! تا رستگار شوید» (وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ).

توبه‌ای را که خدای متعال از مومنان به خاطر گذشته ایشان می‌خواهد می‌تواند مبتنی بر مواردی است که عقل هم می‌توانست به زشتی آن خطا پی ببرد و اگر آیه‌ای هم نازل نمی‌شد ایشان می‌توانستند با اندک تفکر و اندیشه‌ای به نادرستی و زشتی آن گناه پی ببرند؛ از این رو خدای متعال در این آیه از ایشان می‌خواهد توبه کنند.



[ حجاب یعنی... ]



حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. کاربرد این کلمه، بیشتر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده، وسیله پوشش است؛ ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.<sup>۱</sup>

منظور از حجاب، پوشش اسلامی است و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام و جویب اسلام، این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد که این خود، فوایدی برای همان زن و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند به همراه دارد.

بنابراین، حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است.

بُعد ایجابی آن، و جوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است و این دو بُعد باید کنار یکدیگر و به صورت کلی دیده شود تا حجاب اسلامی و نیز آثاری که به دنبال آن هستیم، محقق شود؛ گاه ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است و به گونه‌ای آن حجاب یک کاریکاتوری می‌شود که از بودنش سودی حاصل نمی‌شود.

گاه مشاهده می‌کنیم که بسیاری از زنان محجبه در پوشش خود از رنگ‌های شاد و زیبا و تحریک برانگیز استفاده می‌کنند که به اندامشان زیبایی خاصی می‌بخشد و در عین پوشیده بودن بدن زن، زیبایی‌اش آشکار است، گویی که اصلاً لباس نپوشیده است و این دور از روح حجاب است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب

می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناه های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است؛

مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده اند:

**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛** ای رسول ما! به مردان مؤمن بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند.<sup>۱</sup>

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ ای رسول! به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.<sup>۱</sup>

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است:  
فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ؛ پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند! مباد آن که دلش بیمار [هوا و هوس] است به طمع افتد.<sup>۲</sup>

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. این صورت به گونه‌ای اهمیت زیاد دارد و نمی‌توان به این نکته بی‌توجه کرد که رفتار زنان در عین داشتن حجاب، اگر مزین به عفت و حیا نباشد، آسیب‌های بدحجابی را به همراه دارد و جامعه یک جامعه‌ای خواهد شد که نمی‌توان آن را به عنوان یک جامعه دینی مطرح ساخت و از آن به

۱. همان، آیه ۳۱.  
۲. سوره احزاب، آیه ۳۲.

عنوان الگو بهره برد. در قرآن به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند:

(وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ)؛ و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.<sup>۱</sup>

از سخنانی که گذشت، می‌توان این را بیان کرد که منظور از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قائل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در گونه‌های مختلف رفتار، مثل نحوه پوشش، نگاه، حرف زدن، برخورد کلامی با نامحرم و راه رفتن است.

## رابطه حجاب و عفاف

برخی ادعا کرده‌اند بین حجاب و عفاف رابطه‌ای نیست؛ عفاف لازم است؛ اما حجاب لازم نیست. گاه همین مطلب با تمسک به حجاب و پوشش زنان روستایی و زنان شالیزار شمال کشور توجیه می‌شود که آن‌ها حجاب کامل ندارند، ولی عقیف هستند.<sup>۱</sup>

حجاب در کتاب‌های لغت به معنای پوشش، پرده و مانع آمده است. به نگهبان، حاجب می‌گویند؛ چون مانع ورود اغیار و بیگانگان در یک حریم و محیط خاص می‌گردد.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه لغوی عفت نیز وجود دارد؛<sup>۲</sup> بنابراین، دو واژه «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند.

۱. کیهان لندن، ۱۳۷۴/۳/۱۱.

۲. العفة: الکف عما لا یحلّ و لا یجمل؛ ابن منظور، لسان العرب، واژه «عفت».

تفاوتی بین منع و بازداری حجاب و عفت، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است؛ ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛<sup>۱</sup> بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد و بالعکس هرچه عفت درونی و باطنی بیش تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد. قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرّج و خودنمایی،

لباس‌های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می‌گویند: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر را نیز بردارند، بهتر است.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ<sup>۱</sup>

با توجه به همین نکته، پاسخ افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند آشکار می‌گردد؛ زیرا مشکل این‌عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و



ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده رفتارهای اوست.

البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه‌عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد.



[ هدف و فلسفه حجاب ]

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس و تقوا

به دست می آید:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.<sup>۱</sup>  
 هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ  
 إِنَّ كُنُوزًا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ اوست خدایی که میان عرب امی (قومی که خواندن و نوشتن  
 هم نمی دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و  
 آن ها را [از لوث جهل و اخلاق زشت] پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که  
 پیش از این، همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند.<sup>۲</sup>

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲. سوره جمعه، آیه ۲

از آیات قرآن کریم این گونه به دست می آید که هدف از تشریح حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دستیابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی همچون:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛ ای رسول ما! مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.<sup>۱</sup>

وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛ و هرگاه از زنان رسول متاعی می طلبید از پس پرده بطلبید، که حجاب برای آن که دل‌های شما و آن‌ها پاک و پاکیزه بماند بهتر است.<sup>۲</sup>

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ

۱. سوره نور، آیه ۳۰.

۲. سوره احزاب، آیه ۵۳.

بَرِيَّةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و زنان سالخورده که از ولادت و عادت بازنشسته‌اند و امید ازدواج و نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست که اگر اظهار تجملات و زینت خود نکنند، نزد نامحرمان جامه‌های خود را از تن بگیرند و اگر بازهم عفت و تقوای بیشتر گزینند، بر آنان بهتر است و خدا به سخنان خلق شنوا و آگاه است.<sup>۱</sup>

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیغمبر! با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادرهای خود فروپوشند که این کار برای این که آن‌ها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس‌رانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.<sup>۲</sup>

۱. سوره نور، آیه ی ۶۰.

۲. سوره احزاب، آیه ۵۹.

چون نگاه به نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه به فساد منجر می‌شود، خداوند کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، به مردان نیز دستور به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر آنان حرام کرده است؛ چنان‌که از امام رضا(ع) نقل شده است:

«حُرِّمَ النَّظْرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجَبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُوا التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَ الدَّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ»؛ نگاه به موهای زنان با حجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی‌انگیزد و آنان را به فساد فرا می‌خواند در آنچه ورود در آن نه حلال است و نه شایسته<sup>۱</sup>.

از مجموع متون اسلامی ای که بیان شد می توان به درستی این را برداشت کرد که هدف و فلسفه وجوب حجاب اسلامی، ایجاد تزکیه نفس، طهارت و عفت و پاکدامنی بین افراد جامعه و ایجاد صلاح و پیش گیری از فساد است.



[ آثار و فواید حجاب ]  
در ابعاد مختلف زندگی انسان ]



در بررسی ابعاد احکام اسلام، آنچه کمک می‌کند به ترویج آن، بررسی آثار و فواید این احکام است. پوشش اسلامی هم از این امر مستثنا نیست. حجاب و پوشش، در ابعاد مختلف، دارای آثار و فواید زیادی است که با دانستن این فواید و آثار می‌توان به تبلیغ و ترویج آن پرداخت. بعضی از مهم‌ترین فواید آن عبارت‌اند از:

### فایده حجاب در بُعد فردی

یکی از فواید و آثار مهم حجاب در بُعد فردی، ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه است که یکی از عوامل ایجاد آن عدم تهییج و تحریک جنسی است؛ در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار میان زن و مرد، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده درمی‌آورد. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هرچه بیشتر اطاعت شود بیشتر سرکش

می‌گردد؛ هم چون آتشی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شعله‌ورتر می‌گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که با رواج بی‌حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه جنسی بیشتر شده است، هجوم مردم به مسئله سکس نیز زیادتر شده و تیراژ مجلات و کتب سکسی بالاتر رفته است. این مطلب پاسخ روشن و قاطع به افرادی است که قائل اند همه گرفتاری‌هایی که در کشورهای اسلامی و شرقی بر سر غریزه جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت‌هاست و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشته شود و روابط جنسی آزاد شود، این حرص و ولعی که وجود دارد، از بین می‌رود.

البته از این افراد باید پرسید: آیا غرب که محدودیت روابط زن و مرد و دختر و پسر را برداشته است، حرص و ولع جنسی در بین آنان فروکش کرده است یا افزایش یافته است؟! پاسخ هر انسان واقع‌بین و منصفی به این سؤال این است که نه تنها حرص و ولع جنسی

در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل‌های جدیدتری از تمتعات و بهره‌برداری‌های جنسی در آن‌ها رواج و رسمیت می‌یابد. یکی از زنان غربی منصف، وضعیت جامعه غرب را در مواجهه با گزینه‌ی جنسی این‌گونه توصیف کرده است:

«کسانی می‌گویند مسئله‌ی گزینه جنسی و مشکل زن و حجاب در جوامع غربی حل شده است؛ آری! اگر از زن روی گرداندن و به بچه و سگ و یا هم جنس روی آوردن حل مسئله است، البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است!!»<sup>۱</sup>

در بعد فردی آنچه که حجاب و پوشش اسلامی می‌تواند برای زن به ارمغان آورد، دادن یک هویت واقعی است. حجاب به زن یک هویت الهی می‌بخشد، برخلاف تفکر و فرهنگی که از

۱. احمد صبوری اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۳۰۲.

زن استفاده ابزاری و تجاری می‌نماید و او را کالای فروش تبلیغاتی خود می‌کند، اسلام برای زن هویت الهی و عرشی معرفی می‌نماید که در زندگی دنیایی خود وظیفه دارد در حفظ و صیانت از آن تمام همت خود را بگمارد؛ در واقع رعایت حجاب و تقویت فرهنگ آن به تقویت گوهر الهی که در وجود تمام افراد به خصوص زن نهاده شده کمک دو چندان می‌نماید و به دیگران اجازه نمی‌دهد که با جنس زن به مثابه حیوانی که تنها وسیله خاموش کردن قوه شهویه است برخورد کند.

### فایده حجاب در بُعد خانوادگی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی، به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر و در نتیجه استحکام بیشتر کانون خانواده می‌گردد و برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده است. به سخنی دیگر، زن و مرد در خانواده با تمرکز داشتن به خواسته‌های

به حق اعضای خانواده در مسیر رسیدن به ایجاد کانون گرم و صمیمی قدم برمی دارند و تمام همت خود را برای رسیدن به این مهم صرف می‌نمایند، این در حالی است که زنان عشوه‌گرو خود آرا در بسیاری از موارد در این خصوص به علت توجه به بیرون خانواده با کم کاری‌های مواجه می‌شوند، در واقع توجه و اهمیت بسیار به خود نمایی و تبرج در بیرون خانه رفته رفته موجب تحلیل و ضعف قوای روحی و اخلاقی شده و صبر و عدم آرامش را برای این چنین افرادی به دنبال خواهد می‌آورد.

یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این گونه بیان کرده است:

در جامعه‌ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد و آنچه ریشه خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می‌زند. زنی که بیست یا سی سال

در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره‌اش شکفتگی خود را از دست می‌دهد و روی در خزان می‌گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می‌رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه‌ای می‌دهد و این مقدمه‌ای می‌شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است و همه خواهران جوان لابد می‌دانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد می‌دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت‌اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده‌ها ایجاد می‌کنند.<sup>۱</sup>

## فایده حجاب در بُعد اجتماعی

یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت‌های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و... همواره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کار او کاهش می‌یابد. برخلاف نظام‌ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت‌های اجتماعی را با لذت‌جویی‌های جنسی درهم می‌آمیزند، اسلام می‌خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این‌گونه لذت‌ها پاک شده و لذت‌های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود.<sup>۱</sup>

۱. سه بُعد قبل، از کتاب مسئله حجاب، استاد مطهری، ص ۹۴، ۸۴، (با دخل و تصرف).



- قرآن کریم.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران؛ نشر: دار الکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۷۴.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۵.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، اول، ۱۴۱۶ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، نشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، اول، بی تا.
- صبوری اردوباری، احمد، آیین بهزیستی اسلام، بی جا، ۱۳۶۷.
- غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: سروش، دوم، ۱۳۹۲.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت؛ نشر: دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، سوم، بی تا.
- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران: صدرا، دهم، ۱۳۸۰.